

ورجینیا، می 2006م

لینا روزبه حیدری

جهاد مقدس طالبان!

عکس های خانواده، به خصوص کودکان انجنیر هندی، در صفحه انترنتی بی بی سی که با چشمان اشکبار جسد پدرشان را بدرقه می کردند صحنه ای دلخراش و غمگینی را به تصویر کشیده بود.



طالبان علت کشتن این انجنیر را عدم جوابگویی دولت هند به درخواست خود، که خواهان خروج کارگران هندی از افغانستان بود، خواندند.

این دومین انجنیر هندوست که در ظرف چند ماه گذشته در افغانستان سر بریده می شود. در طول سال گذشته اختطاف امدادکاران و کارکنان مؤسسات مختلف خارجی مثل خانم "کانتونینا" از ایتالیا و چند انجنیر دیگر چینیایی توسط گروه های متعدد که بلاشک به شکلی با طالبان مرتبط هستند، رایج شده است.



هدف از این اختطاف ها آوردن فشار بر حکومت برای مسدود نمودن مؤسسات امدادی در افغانستان است، که جهت بازسازی این کشور با پول اعانه توسط این ممالک فعالیت می کنند.

از طرف دیگر سوزاندن مکاتب و کشتن معلمان و متعلمین در افغانستان راه دیگری برای ابراز عقاید و خواهشات گروه دهشت افکن طالبان شده است. چند هفته قبل، فیر یک راکت بر یک مکتب باعث کشته شدن چند شاگرد و زخمی شدن تعداد کثیری از آنان که متعلمین صنوف اول تا پنج بودند، گردید. این گروه در راه تشویق بیسوادی یک قدم جلو رفته و هفته گذشته با پخش شبنامه ای در ولایت کنر به کسانی که یک معلم را بکشند جایزه هم تعیین نموده اند!

بر همه آشکار است که این اعمال، کار کشور پاکستان و حامیان ایشان در خاک افغانستان است. پاکستان به دلیل موقعیت جغرافیایی و مسایل سیاسی هرگز داشتن یک همسایه موفق را به نفع خود نمی داند. در جلسه ای که در شهر واشنگتن دی سی دایر شده بود، یک افسر آی اس آی پاکستان طی سخنرانش به صراحت گفت که داشتن یک افغانستان امن و آرام هرگز به نفع پاکستان نخواهد بود.

اما خوشبختانه تصمیم مردم افغانستان برای بهبود اوضاع کشورشان محکم و استوار است و طالبان و یا بهتر بگوییم عرب ها و پاکستانی ها و همراهان اندک افغان شان (که متأسفانه به دلیل بی سواد و معلومات سطحی از اسلام به همکاری با این گروه روی آورده اند) موفق نخواهند شد.

در عین زمان از پاکستانی و یا عربی که در یک کشور بیگانه جهت کسب اهداف خود به کشت و کشتار مردم آن و برهم زدن اوضاع آن کشور روی می آورند، نمی توان شکایت کرد. شکایت از آن رجال سیاسی، ملا ها و علمای مذهبی افغان باید کرد، که هنوز هم از گذشته درس نگرفته و به این گروه ملحق شده و قبایل پشتون مقیم پاکستان را برادر خوانده و آنان را افغان می پندارند! اما باید به این گروه هشدار داد که گرچه زمانی پشاور بخشی از افغانستان محسوب می شد و گرچه لسان مشترک پشتو در افغانستان و پاکستان باعث نزدیکی پاکستانی ها به افغان ها شده است (به اندازه ای که تعداد زیادی از قوم پتان در پاکستان خود را افغان می پندارند!)، اما آنان به هیچ وجه افغان نبوده و همواره برای کشور خود پاکستان را بر افغانستان ارجحیت خواهند داد.

بنابراین به علمای دینی افغان که هنوز این گروه را در اطراف افغانستان با سخنان خود مقدس جلوه داده و حمایت می کنند و سیاستمدارانی که هنوز هم در استفاده از تشدد بر علیه پاکستان تردید دارند، باید دوباره از سالین 1996 تا سال 2001 که کنترل کشور افغانستان در دست طالبان بود، یاد آوری کرد. آیا این طالبان که خود را مسلمان هم می خوانند به جز دهشت، کشت و کشتار، جنون و دیوانگی و تخریب چیز دیگری برای افغان و افغانستان به همراه داشتند؟ آیا همین طالبان نبودند که به تخریب این کشور و کرایه دادن آن به دهشت افغان و تروریست های عرب پرداختند؟ اگر این پاکستانی های طالب پیشه به گفته خودشان "خواهان آوردن اسلام و زدودن کفر" از کشور افغانستان هستند باید به آنان یاد آور شد که ابتدا باید به خود پردازند. فساد اخلاقی و بازار های بد نام و رفاقت خانه های لاهور، کراچی و پشاور، فروش آزاد مشروبات الکلی و مواد مخدر، فروش اطفال و اعضای بدن شان، آمدن شیخ های عرب برای خوش گذرانی در این کشور و صد البته کمک های فراوان ممالک غربی به پاکستان جهت فرمانبرداری که به گفته این گروه "حرام" است، جزو اعمالیست که تقریباً از تاریخ ایجاد کشور پاکستان و جدایی آن از هند در آن موجود بوده و در نزد باشندگان آن اعمال طبیعی و عادی تلقی می شود. بنیاداً باید به این گروه گفت که شما ابتدا به پاک نمودن کشور خود و اشاعه دین اسلام در پاکستان بپردازید که جهاد در خانه فرض تر از منزل همسایه است و "شمعی که در خانه بسوزد در مسجد حرام است!"

این مسلمان نما های عصر حجر، که نام دین اسلام را در دنیا همراه با همراهان عرب و هابی خود بدنام کرده اند، ابتدا باید خود به مطالعه دین اسلام بپردازند، که در آن کشتن بی گناهان، آتش زدن کتاب و کتابخانه و اشاعه جهل و ممنوعیت علم از گناهان کبیره محسوب می شود. جالب اینجاست که این گروه به اعمال وحشت گرایی خود نام "جهاد" را می دهند، حالآنکه در دین مبین اسلام "جهاد" به معنی جنگ و رویایی مستقیم با دشمن است نه در دامنه کوه ها بزدلانه پنهان شدن و راکت بر منازل و مکاتب اطفال فیر نمودن و بی گناهان غیر مسلح را که جهت ساختن مکتب، سرک و حفر چاه یا ساختن فابریکه آمده اند، از سرک ها ربودن و سر بریدن و یا به خود بم بستن و در اماکن عمومی که زنان و اطفال و مردم بیگناه در آن حضور دارند، خود را منفجر ساختن و نام "جهاد" را بر این اعمال نامردان، خود نهادن.

مرد میدان باش و رو در رو ستیز نی چو موش اندر سوراخ خود گریز

ممالک همسایه افغانستان، چه پاکستان چه ایران چه ممالک عربی و چه ممالک آسیای مرکزی، هر یک برای بهبود و کسب اهداف ممالک خود پلان می سازند و در صحنه بین المللی عمل می کنند. دنیای امروز پیرو عقیده ریالزم مکتب سیاست است، که می گوید هر کشوری در سطح بین المللی برای منفعت خود پلان می سازد و عمل می کند.

پس ما نباید از هیچ کدام این ممالک انتظار تصامیمی را به نفع افغانستان داشته باشیم. سالین متمادی جنگ و کوشش این ممالک در استفاده از اوضاع آشفته این کشور برای کسب مقاصد خود باید چهره اصلی این ممالک و اهدافشان را برای افغانستان روشن کرده باشد. ایران بود و هست که جنگ سالارانی چون گلبدین را در خود جای داده به او اجازه عملیات را می داد. پاکستان بود که چندین جنگ سالار و قشون طالب را در خود تربیه کرد و بعد آنان را به امید خام " تسلط بر افغانستان " به این کشور اعزام داشت. عربستان سعودی بود که چوچه های القاعده را برای تمرینات نظامی به میدان نظامی مفت خود در افغانستان اعزام می کرد. و بالاخره جامعه بین المللی و اعضای ملل متحد بودند که تصمیم به رسمیت شناختن حکومت طالبان و اهدای کرسی در ملل متحد به ایشان داشتند، که آن هم به تشویق اعضای دایمی شورای امنیت ملل متحد به امید آوردن پایپ لاین گاز از آسیای مرکزی به افغانستان انجام شده بود که خود محتاج بحث دیگریست.

بهر حال به گفته مشهور "کس نخارد پشت من جز ناخن انگشت من" کشور و یا مملکتی در دنیا قابلیت درمان درد های بی درمان افغانستان را ندارد، تا خود مردم این کشور متحد نشده و به فکر بهبود اوضاع کشور خود نشوند و وضعیت کشور را سرو سامانی نبخشند، قبل از اینکه یکبار دیگر این مملکت بازیچه دست همسایگان گردد.

جامعه افغان باید از تمامی ممالکی که بی طرفانه با اعزام انجیران و متخصصان خود همراه با کمک های مالی قصد بازسازی افغانستان را دارند، ابراز امتنان نماید و به دشمنانی که تا به حال چهره شوم و نقشه های سیاسی آنان بر ایمان واضح شده است، اجازه ندهد تا تاریخ دو دهه گذشته دوباره تکرار شود.

پایان